

جایگاه قناعت در معیشت اسلامی

فاطمه پیروزبخت¹

چکیده:

موضوع این پژوهش، با عنوان جایگاه قناعت در معیشت اسلامی، که منظور از اسلام، همان آیات و روایات و قرآن است مورد بررسی قرار گرفته است. هدفی که این تحقیق برای رسیدن به آن می‌کوشد، آشنا شدن با مفهوم و حقیقت قناعت، و بررسی جایگاه قناعت در زندگی اسلامی و همچنین راه‌های تحصیل آن است. برای رسیدن به ملکه‌ی قناعت ابتدا باید فهم دقیقی از قناعت بدست آورد. نتایج حاصل، از این قرار است در کلام الهی و روایات به قناعت توصیه شده است. و همه‌ی مردم برای رضایت و خشنودی از زندگی، موظف به رعایت قناعت و اعتدال هستند. بیان این نکته ضروری است که قناعت را نباید با تنبلی و بی‌کاری اشتباه گرفت، بلکه شخص باید تلاش کند و در همین حال از خداوند روزی حلال و پاک طلب نماید. کسی که قناعت را پیشه راه خود کند، به دیگران محتاج نمی‌شود و زندگی خود را به بهترین نحو اداره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حرص، قانع، قناعت.

¹ - سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز، fapiruz@gmail.com

مقدمه:

قرآن شریف جامع همه‌ی معارف و حقایق اسماء و صفات است و هیچ کتابی مانند این کتاب، جامع و کامل نیست. قرآن که جامع اخلاق و دعوت به مبدء و معاد و زهد و ترک دنیا و رهسپار شدن به سر منزل حقیقت است، در قسمت‌های مختلفی از این کتاب جامع، به مسئله قناعت پرداخته شده است.

مسئله قناعت از جمله مسائلی است که قرآن و اسلام به آن اهمیت فوق العاده‌ای داده است. و در مقابل آن بیان می‌کند که انسان بدون کار و تلاش بهره‌ای ندارد و باید برای به دست آوردن روزی تلاش کند و به همان مقدار روزی که خداوند به او می‌رساند و قناعت کند تا زندگی‌اش همراه با آرامش و آسایش باشد.

در مورد مسئله قناعت و اهمیت آن در اسلام مباحث زیادی در آیات و روایات مطرح گردیده است. از آیات برمی‌آید که مسئله‌ی قناعت از همان زمان که پیامبران اولوالعزم (علیهم السلام) برانگیخته شدند مورد توجه آن‌ها بوده است و در جستجوی دقیق‌تر پیرامون این موضوع، نشان می‌دهد که در زندگی برترین الگوی پیشرفت یعنی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) قناعت موج می‌زده است. از جمله کتاب‌های مفیدی که در این تحقیق می‌توان به آن اشاره کرد: دانشنامه امام علی (علیه السلام) که محمد محمدی ری‌شهری گردآورنده‌ی آن است که به طور مفصل راجع به قناعت مطلب بیان کرده است. همچنین کتاب بحارالانوار از مجلسی، کتاب کافی از مرحوم کلینی و کتاب وسایل الشیعه از حر عاملی روایات ارزنده‌ای در مورد قناعت بیان کرده است.

با توجه به منزلتی که خانواده در دیدگاه اسلامی دارد و آرامش روحی و روانی که اسلام برای آن در نظر گرفته است، در اسلام توصیه‌های زیادی درباره قناعت کردن کرده است. از رسیدن به الگوهایی که بتوان با عبرت گرفتن از آن‌ها، یک زندگی اسلامی داشت، ضروری است چه بسا عدم تحقیق در این زمینه برخی از افراد را دچار اسراف زدگی و تجمل‌گرایی کند. در این تحقیق به بررسی مفهوم قناعت و جایگاه قناعت از دیدگاه آیات و روایات و سیره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) و راه‌های تحصیل آن پرداخته می‌شود.

1 - مفهوم شناسی

الف - قناعت:

معنای لغوی:

قناعت از ماده‌ی رضی، به معنی رضایت داشتن می‌باشد.¹ قناعت یعنی هنگامی که شخص راضی باشد و به این دلیل که رضایت کامل دارد از آن وضعیت خود، قناعت نامیده می‌شود.² قناعت به معنای رضا و خشنودی است.³

معنای اصطلاحی:

قناعت یعنی شخص به آنچه که دارد قانع است و به آنچه قسمت او شده راضی است.⁴ قانع کسی است که به اندک اکتفا کند و ناراحت نشود و به خشم در نیاید و به همین معنی در روایات آمده است و در کتاب صحاح است: قانع یعنی خشنود به آنچه که دارد.⁵

¹- ابن منظور، لسان العرب، ج 8، ص 298.

²- مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج 9، ص 327.

³- قرشی، قاموس قرآن، ج 6، ص 43.

⁴- مهیار، فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، ص 710.

⁵- طریحی، مجمع البحرین، ج 5، ص 70-71.

2 - جایگاه قناعت از دیدگاه آیات

خداوند در قرآن می‌فرماید:

« صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا بازمانده و ناتوان شده‌اند و توانایی آنکه در زمین بگردند (و کاری پیش گیرند) ندارند و از فرط عفاف چنانند که هر کس از حال آنها آگاه نباشد پندارد غنی و بی‌نیازند، به (فقر) آنها از سیمایشان پی می‌بری، هرگز چیزی از کسی درخواست نکنند. و هر مالی اتفاق کنید خدا به آن آگاه است.»¹

این آیه مربوط به قناعت کردن اصحاب صفّه می‌باشد. این آیه زهد اصحاب صفّه و قناعت آنان به حداقل زندگی، به منظور آمادگی جهاد را بیان می‌کند. دیگر اینکه ارزشمندی اصحاب صفّه را در پیشگاه خدا به سبب زهد و قناعت و آمادگی آنان در جهاد بیان می‌کند و دیگر وجوب انفاق به اصحاب صفّه، به سبب زهد و قناعت نفس آنان را اختصاص دادن به خود جهاد در راه خدا.²

خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«یوسف گفت: باید هفت سال متوالی روی عادت‌ی که دارید با جدیت و کوشش زراعت کنید و هر خرمن را که درو کنید جز کمی که قوت خود می‌سازید همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید و دانه را از پوست جدا نکنید، مگر اندکی که به مصرف خوراکتان می‌رسانید.»³

از قسمت آخر آیه که بیان می‌کند به مقدار اندکی که خودتان مصرف می‌کنید دریافت می‌شود که قناعت کنید و به اندازه‌ی نیاز روزانه‌تان مصرف داشته باشید و بیشتر از آن استفاده نکنید. زیرا اگر قناعت صورت نگیرد به قحطی دچار شده و زندگی برای آن‌ها سخت و حتی غیرممکن می‌گردد. پس با قناعت می‌توانند در چند سال قحطی، مانند روزهای عادی زندگی کنند. ولی اگر در سال‌های پربرکت قبل از قحطی، اسراف کنند و ذخیره ننمایند، دچار بحران شدیدی می‌شوند. در این آیه هدف از قناعت، آمادگی برای مقابله با شرایط بحران قحطی می‌باشد.⁴

در آیه‌ای از سوره نحل آمده:

« هر کس از مرد و زن کار که مؤمن باشد و کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد

¹ - «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» سوره بقره: آیه 273.

² - هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج 23، ص 453.

³ - «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» سوره یوسف: آیه 47.

⁴ - هاشمی رفسنجانی، همان کتاب.

ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می‌گردانیم و قطعاً اجرای بسیار بهتر از عمل نیکی که می‌کردند به آنان خواهیم داد.¹

این آیه یکی از وعده‌های الهی است، درباره‌ی زنان و مردان مؤمنی که طبق این وعده‌ی الهی آن‌ها از یک زندگی نیکو و پاکیزه برخوردار خواهند شد. اما منظور از این زندگی نیکو و پاکیزه چیست؟ در این باره اقوال مختلفی است که یکی از آن اقوال: حسن و و هب گویند: قناعت خشنودی از قسمت الهی است. از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز چنین شده است.²

ماهیت حیات طیبه یعنی به رضایت دادن به نصیب و قناعت تفسیر کرده‌اند. جالب این که در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است.

«هنگامی که از او درباره‌ی این سخن خدای عزوجل پرسیدند: منظور از جمله «حتماً زنده‌اش می‌داریم به زندگی پاک و پسندیده» چیست؟ فرمود: قناعت است».³

بدون شک محدود ساختن حیات طیبه به این قناعت نمی‌باشد بلکه بیان مصداق است ولی مصداقی است بسیار روشن، چرا که اگر تمام دنیا را به انسان بدهند ولی روحیه‌ی قناعت را از او بگیرند همیشه در آزار و رنج به سر می‌برد و به عکس اگر انسان روح قناعت داشته باشد همیشه آسوده خاطر و خوش است. همچنین در بعضی روایات دیگر حیات طیبه به معنی رضا و خشنودی است از آنچه خدا داده است تفسیر شده که آن‌ها هم با قناعت قریب الافق است. ولی هرگز نباید به این مفاهیم جنبه‌ی تحذیری داد، بلکه هدف اصلی از بیان رضا و قناعت، پایان دادن به حرص و آز و طمع و هواپرستی است که عامل تجاوزها و استثمارها و جنگ‌ها و خونریزی‌ها و گاه عامل ذلت و اسارت است.⁴

همچنین بیان شده است که: همین حیات دنیوی است که مقارن با قناعت و رضا به قسمت خدای سبحان باشد. زیرا چنین حیاتی، پاکیزه‌ترین زندگی است.⁵

¹- «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»
سوره نحل: آیه 97.

²- بیستونی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص 48-49.

³- «وَسُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ» نهج البلاغه: کلمات قصار 229.

⁴- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 11، ص 396.

⁵- طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 12، ص 414.

فرمود:

«تا حرص نابود نشود، قناعت پدید نمی‌آید.»¹

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«با پرهیز از حرص و طمع در میدان قناعت فرودآی و خطر حرص را با مقدم

داشتن قناعت، برطرف کن.»²

عفاف یکی دیگر از زمینه‌های قناعت است. عفت و عفاف به معنای خود بسندگی و اکتفا به مقدرات و امکانات خود و چشم ندوختن به دیگری و دست دراز نکردن به طرف دیگری است که هم در مورد نیازمندی مالی معنا پیدا می‌کند و هم در مورد نیازمندی جنسی. مراد از عفاف در این بحث عقیف بودن در نیازهای مالی و مادی است. آنان که خود را به صفت عفاف آراسته‌اند، در مقام عمل می‌توانند، قانع باشند و چشم طمع به اموال دیگران ندارند. یعنی هر چه عفاف در انسان بیشتر و قوی‌تر باشد، روحیه قناعت و بی‌نیازی قوی‌تر خواهد شد. برعکس، نبودن عفاف در امور مالی و مادی، سبب نیازمندی و حرص و آز می‌گردد.³

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«قناعت به اندازه‌ی عفت است.»⁴

شاید بتوان گفت که قناعت و عفت در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، چنان‌که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«هر قناعت کننده‌ای عقیف است.»⁵

همچنین عقیف کسی است که عقل او بر خواسته‌هایش نظارت می‌کند و استفاده‌ی او را از مشتهیات و منهیات متعادل می‌سازد. عقیف مراقب است تا در دام شده و بی‌باکی در بهره‌مندی از لذایذ قرار نگیرد و در بهره‌مندی از حداقل‌های لازم زندگی نیز تفریط نکند و خود او را نگیرد. عقیف، فرشته‌خو و ارزش او در رتبه‌ی مجاهدان شهید است. عقیف بر انجام امری توانا است؛ ولی خودداری می‌کند و افسار نفس در کف او قرار دارد. تحقق چنین صفتی قناعت را پدید می‌آورد.⁶

¹ - «لَنْ تُوجَدَ الْقَنَاعَةُ حَتَّى يُفْقَدَ الْحِرْصُ»، لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 407.

² - «أُنْزِلُ سَاحَةَ الْقَنَاعَةِ بِاتِّقَاءِ الْحِرْصِ، وَ ادْفَعُ عَظِيمَ الْحِرْصِ بِإِثَارِ الْقَنَاعَةِ» کاشانی، الوافی، ج 26، ص 361.

³ - مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، همان کتاب، ص 89.

⁴ - «عَلَى قَدْرِ الْعِفَّةِ، تَكُونُ الْقَنَاعَةُ» لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 327.

⁵ - «كُلُّ قَانِعٍ عَقِيفٌ»، همان، ص 375.

⁶ - محمدی‌شهری، همان کتاب، ص 445.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«نتیجه عفت، قناعت است.»¹

ه - نگاه به زندگی فقرا

یکی دیگر از زمینه‌های قناعت، مقایسه زندگی خود با زندگی فقر است. وقتی انسان زندگی خود را با وضع زندگی آن‌ها بسنجد، اثر تعدیل‌کننده دارد و باعث می‌شود که انسان به امکانات اندکی، قناعت کند. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«در قدرت و تمکن مالی همواره به پایین‌تر از خود نگاه کن نه به بالاتر؛ زیرا چنین

کاری تو را روزی خود قانع‌تر می‌سازد.»²

علت این سفارش حکیمانه آن است که مؤمن به سطح زندگی معمولی بسنده کند و اگر بخواهد به بالا دست خود بنگرد در هیچ‌گاه در کیفیت زندگی توقف نخواهد کرد مگر این‌که خود، برترین مرقه جهان گردد و چنین چیزی به مصلحت او نیست.»³

از مطالبی که مطرح شد این نتیجه حاصل می‌شود که باید به پروردگار ایمان قلبی داشت و توکل کرد. با توجه کردن به خلقت انسانی و روزی رسان بودن پروردگار به تمام موجودات یقین حاصل شود که وعده‌های پروردگار صادق است و روزی هر فردی را می‌رساند. پس می‌توان با استفاده از راه‌هایی که بیان شد و تفکر در آیات و روایات روحیه قناعت را در خود تقویت کرد و به این صفت بزرگ اخلاقی دست یافت.

¹ - «نَمْرَةُ الْعِفَّةِ، الْقَنَاعَةُ» لیشی واسطی، همان، ص 208.

² - «أَنْظِرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْفَعُ لَكَ مِنْ مِمَّا قَسَمَ لَكَ».

این بابویه، الامالی، ج 2، ص 559.

³ - مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، همان کتاب، ص 91-92.

نتیجه گیری:

کتاب مقدس قرآن، والاترین الگوی انسان‌ها است و روایات نیز تفسیرکننده‌ی آیات قرآن می‌باشند. یکی از صفت‌هایی که باید در وجود افراد باشد تا بتواند به وسیله‌ی آن به راحتی روزگار خود را بگذراند و به دنبال مال دنیا نباشد، صفت قناعت است. انسانی که می‌خواهد قانع و پاک زندگی کند بدون اعمال و عمل صالح به آن نخواهد رسید. علاوه بر این که در آیات و روایات به قناعت سفارش ویژه‌ای شده است، به کار و تلاش نیز سفارش شده و تأکید شده که قناعت را با تنبلی نباید اشتباه گرفت.

یعنی در کنار کار و تلاش باید قناعت را هم پیشه کرد تا انسان حریص به مال دنیا نشود. با بررسی روایات، دریافت می‌شود که انسان قانع همیشه از زندگی خود خشنود است، عزت نفس دارد و به آرامش فکری دست یافته است. قبلاً بیان شد که هدف از این تحقیق، یافتن مفهوم صحیح قناعت راه‌های رسیدن به قناعت و جایگاه آن در اسلام است که به وسیله‌ی آن می‌توان به سعادت رسید. بیان این نکته ضروری است که برای رسیدن به سعادت، باید به صفات پسندیده و اخلاقی فراوانی دست یافت که یکی از مهم‌ترین آن صفات، قناعت است. به دلیل محدودیت‌هایی که برای تحقیق وجود دارد، این نوشتار از بررسی مطالب مهم پیرامون مسأله قناعت باز ماند و این موضوع به پژوهش‌های متعددی نیاز دارد که در این تحقیق نمی‌گنجد.

فهرست منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

* صحیفه امام رضا (علیه السلام)

الف - کتب فارسی

- 1- ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، التمهیص، قم: مدرسه امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، 1403ه.ق.
- 2- برقی، احمد بن محمد خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1371ه.ق.
- 3- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتب الاسلامی، 1410ه.ق.
- 4- حکیمی، محمدرضا و محمدعلی، الحیة، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، بی تا.
- 5- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 17، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام، 1409ه.ق.
- 6- دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل بیت (علیهم السلام)، 1408ه.ق.
- 7- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: نشر اسلامی، 1374.
- 8- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1407ه.ق.
- 9- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، 1375.
- 10- علم الهدی، محمدباقر، خورشید اسلام چگونه درخشید، تهران: چاپ اول، 1380.
- 11- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، 1371.
- 12- فیض کاشانی، محمدحسن بن شاه مرتضی، الوافی، ج 26، اصفهان: بی جا، 1406ه.ق.
- 13- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، قم: المطبعة العلمیه، 1402ه.ق.
- 14- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم: دارالحديث، 1429ه.ق.
- 15- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحديث العربی، 1376.

16- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه‌ی امام علی (علیه السلام)، قم: دارالحديث، 1244ه.ق.

17- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1353.

18- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368.

19- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط الرسائل، قم: مؤسسه آل بیت (علیهم السلام)، 1408ه.ق.

20- هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم: نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ دوم، 1388.

21- هاشمی خویی، حبیب الله، منهاج البرائه فی شرح نهج البلاغه، تهران: مکتب الاسلامیه، 1324ه.ق.

ب- کتب عربی

1- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، 1414ه.ق.

2- ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، تهران: نشر کتابچی، 1376.

3- _____، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: نشر جهان، 1378.

4- ابن شعبه حرانی، حسن بن محمد، تحف العقول، قم: جامعه مدرس، 1363ه.ق.

5- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، 1403ه.ق.